

رقیه بنت الحسین (علیهما السلام) واقعیت یا تحریف؟

<?xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

در پی القای شبهات بی اساس از سوی برخی افراد ناآگاه گاهاً مغرض درباره وجود مقدس حضرت رقیه بنت الحسین (علیهما السلام)، مراجع عظام تقلید و علمای بزرگ عصر ما تأکید کردند تشکیک در اصل وجود مقدس حضرت رقیه (علیها السلام)، نه تنها ظلم به آن مظلومه و پدر بزرگوار ایشان، بلکه ظلم به اهل بیت (علیهم السلام) است. از این رو بر آن شدیم تا در این مقاله منابع تاریخی، نظرات بزرگان و مراجع عظام تقلید را درباره این وجود نورانی از نظر بگذرانیم.

اساساً درباره حضرت رقیه (سلام الله علیها) چهار دیدگاه وجود دارد:

1. گروهی حضرت رقیه (سلام الله علیها) را تحریف تاریخ می دانند و داشتن دختری به نام رقیه را برای امام حسین (علیه السلام) منکر می شوند.
2. گروهی حضرت رقیه (سلام الله علیها) را دختر یکی از اصحاب شهدای کربلاء می دانند.
3. گروهی حضرت رقیه (سلام الله علیها) را دختر امام حسین (علیه السلام) می دانند، اما نام او را رقیه نمی دانند.
4. گروهی حضرت رقیه (سلام الله علیها) را با همین نام دختر امام حسین (علیه السلام) می دانند.

نقد و بررسی دیدگاه ها

گروه اوّل:

درباره این گروه که عده ای محدود هستند، از ایشان می پرسیم:

- آیا تبخّر کافی و آگاهی کامل در تاریخ امام حسین (علیه السلام) دارید؟
- آیا تمام کتب قدیمی که درباره تاریخ امام حسین (علیه السلام) است دیده اید و بعد چنین حرفی زده اید؟
- آیا با گذشت چند قرن از واقعه جانگداز عاشورا، احدی از بزرگان، مراجع، علما ندیده اند، ندانسته اند یا آنقدر سواد نداشته اند که بفهمند و یا جرأت آن را نداشته اند که بگویند چنین دختری تحریف تاریخ است؟
- آیا عالمی مثل شیخ عباس قمی رحمه الله، با دقّت و احتیاطی که در نقل مصائب و مقاتل داشته اند، چنین نظری درباره حضرت رقیه (سلام الله علیها) داشتند؟
- و چندین سؤال دیگر

گروه دوّم:

درباره این گروه، از ایشان می پرسیم:

- دختر کدام شهید کربلا؟
- لطف بفرمایند با ذکر سند صحیح و معتبر بفرمایند که ایشان دختر فلان صحابی امام حسین (علیه السلام) یا دختر فلان شهید کربلاء می باشند. لطف بفرمایند کُلّی گویی نفرمایند که به دور از بحث علمی است.

گروه سوّم:

گروهی که ایشان را دختر امام حسین (علیه السلام) می دانند، ولی در نام اختلاف دارند، بیان می کنیم:

علامه محمد مهدی حائری یزدی رحمه الله می آورد:

«کانت للحسین (علیه السلام) بنت صغیره... تسمى رقیه و کان لها ثلاث سنین»

(معالی السبطين، ج2، ص161، 170)

تعبیر «تسمى رقیه» نشان می دهد که «رقیه» نام اصلی ایشان نبوده بلکه به این اسم معروف بوده است.

گروه چهارم:

در این مقاله اسنادی در اثبات صحبت این گروه می آوریم، اِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

حضرت رقیه (سلام الله علیها) در منابع تاریخی

آنچه امروز درباره رقیه (سلام الله علیها) شهرت دارد و نقل می شود این است که او از دختران امام حسین (علیه السلام) است. در کربلا همراه کاروان بوده و همراه قافله به شام می رود. شبی در خرابه شام، خواب پدر را دیده و بهانه او را می گیرد. به دستور یزید رأس مطهر را درون طشتی گذاشته و برای او می برند. این دختر سه ساله،

وقتی روپوش را کنار می زند ابتدا با پدر نجوا می کند و بعد با در آغوش کشیدن او، برای همیشه آرام می شود. اما آنچه در منابع فعلی وجود دارد به ترتیب قدمت زمانی به شرح زیر است:

1. مقتل اُبی مخنف

لُوطُ بْنُ يَحْيَى مَلَقَّبَ بِهِ أَبُوْمُخْنَفٍ أَزْدِي متوفای 157 هجری قمری، در مقتل خود، هنگام وداع امام حسین (علیه السلام) با اهل بیت گرامیشان چنین آورده است:

«ثم نادى يا ام كلثوم و يا زينب و يا سكينه و يا رقيه و يا عاتكة و يا صفيه عليكن منى السلام»

آنگاه فریاد برآورد: اى اُمّ کلثوم، اى زینب، اى سکینه، اى رقیه، اى عاتکه، اى صفیه، من نیز رفتم، خداحافظ.

(مَقْتَلُ الْحُسَيْنِ وَ مَصْرَعُ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَصْحَابِهِ فِي كَرْبَلَاءَ، الْمُشْتَهَرُ بِمَقْتَلِ أَبِي مُخْنَفٍ، ص 131)

اعتبار مقتل اُبی مخنف

حضرت استاد حسین انصاریان حفظه الله درباره مقتل اُبی مخنف می گوید: مقتل اُبی مخنف نیز یکی از مقاتل قابل اعتماد است.

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی حفظه الله فرمودند: مقتل اُبی مخنف یکی از منابع معتبر می باشد که مطالب آن در کتاب مورخانی چون طبری، یعقوبی و مسعودی وابن اثیر نقل شده است.

ترجمه اُبی مخنف، لوط بن یحیی بن سعید

آیت الله العظمی خوئی از قول مرحوم نجاشی می آورد:

«قال النجاشي لوط بن يحيى بن سعيد بن مخنف بن سالم (سليم ظ) الأزدي الغامدي أبو مخنف شيخ أصحاب الأخبار بالكوفة ووجههم...روى عن جعفر بن محمد (عليه السلام)... وصنف كتبا كثيرة منها: المغازي، فتوح الاسلام، فتوح العراق، فتوح خراسان، الجمل، صفين، النهر، الغارات، قتل الحسين (عليه السلام) و....»

ابومخنف از بزرگان و چهره های برجسته علمای کوفه بود...از امام جعفر صادق (علیه السلام) روایت نقل کرده است... و کتب زیادی به رشته تحریر درآورد که کتب: المغازی، فتوح الاسلام، فتوح العراق، فتوح خراسان، الجمل، صفین، النهر، الغارات، قتل الحسین (علیه السلام) و ...از جمله کتاب های او می باشند .

(معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، السيد أبو القاسم الموسوي الخوئي، ج 14، ص 136، شماره 9769)

ذهبی به نقل از ابن عدی می گوید ابو مخنف شیعه است.

قال عبد الله ابن عدی : شيعی .

(میزان الاعتدال فی نقد الرجال، اُبی عبدالله محمد بن أحمد بن عثمان الذهبی، ج 3، ص 420، ترجمه لوط بن یحیی، اُبو مخنف، رقم 6992)

ابن الندیم می گوید :

«قرأت بخط أحمد بن الحارث الخزاز قالت العلماء : أبو مخنف بأمر العراق واخبارها و فتوحها يزيد على غيره.»
نمونه ای از خط أحمد بن الحارث الخزاز دیدم که نوشته بود علماء می فرمایند: ابو مخنف در مورد عراق و خبرها (و تاریخ) آن و فتوحات صورت گرفته در آن از دیگران اطلاعات بیشتری دارد .
(الفهرست، أبو الفرج محمد بن اسحق المعروف بابن الندیم البغدادی، ص 106)

کتاب های او

ابن الندیم درباره کتاب های او می گوید :

«كتاب الردة، كتاب فتوح الشام، كتاب فتوح العراق، كتاب الجمل، كتاب صفين . كتاب أهل النهروان والخورج، كتاب الغارات، كتاب الخريت بن راشد و بنی ناجية، كتاب مقتل على (عليه السلام)، كتاب مقتل حجر بن عدی، كتاب مقتل محمد بن أبي بكر والأشتر و محمد بن أبي حذيفة، كتاب الشوری ومقتل عثمان، كتاب المستورد بن علفه، كتاب مقتل الحسين (عليه السلام)»

(الفهرست، أبو الفرج محمد بن اسحق المعروف بابن الندیم البغدادی، ص 106)

2. اشعار سيف بن عميرة (رحمه الله)

سيف بن عميرة کوفی از اصحاب امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) و از راویان برجسته و بزرگ شیعه است. سيف بن عميرة از راویان زیارت عاشورا معروفه امام حسین (عليه السلام) است. سيف بن عميرة، از جمله کسانی است که در مصائب اهل بیت (علیهم السلام) به خصوص حضرت سید الشهداء (عليه السلام) اشعاری جانسوز دارد. وی در اشعارش از گریه حضرت زینب و ام کلثوم و سکینه و رقیه همراه با ناله و آه و اندوه بر امام حسین یاد می کند. او در قصیده زیبایی که سروده است صراحتاً به نام حضرت رقیه و بخشی از سرگذشت ایشان اشاره می کند :

و سَكِينَةُ عَنْهَا السَّكِينَةُ فَارْقَتْ ۥ لَمَّا ابْتَدَيْتْ بِفُرْقَةٍ وَ تَغَيَّرَ

آرامش از سکینه جدا شد* چون که او از امام خود جدا گردید

و رُقِيَّةُ رَقَى الْحَسُودَ لِضَعْفِهَا ۥ وَ عَذَا لِيَعْذِرَهَا الَّذِي لَمْ يَعْذُرْ

حضرت رقیه کسی بود که حسودان برای ضعف و ناتوانیش دل سوزاندند. این عده فردای قیامت مجبور به عذرخواهی از او میشوند هرچند که هیچ عذری برای آنها وجود ندارد

وَ لَأَمْ كُنْثُومٌ يَجِدُ جَدِيدَهَا ۥ لَتَمَّ عَقِيبُ دُمُوعِهَا لَمْ يُكْرِرْ

حضرت ام کلثوم نیز هر لحظه صورت اشک آلودش را با پارچه ای پاک می کند

لَمْ أَنْسِهَا وَ سَكِينَةً وَ رُقِيَّةً ۖ يَبْكِيْنَهُ بِتَحْسُرٍ وَ تَرْفُرٍ

من هیچگاه ام کلثوم و سکینه و رقیه را فراموش نمی کنم که برای امام حسین با آه و ناله حسرت گریه می کردند

يَدْعُوْنَ أُمَّهُمْ الْبَتُوْلَةَ فَاطِمًا ۖ دَعَا الْحَزِيْنَ الْوَالِهَ الْمُتَحَيِّرَ

آنها مادرشان حضرت فاطمه (علیها السلام) را با حال محزون و سرگردان و حیران صدا می زدند
و در آخر شعرش می گوید:

وُعَبِيدُكُمْ سَيْفُ فَتَى ابْنِ
عُمَيْرٍ لِعَبْدِ عُبَيْدٍ حَيْدَرٍ قَنْبَرِ

ای سادات و موالی من! سیف بن عمیره بنده بنده غلام حیدر قنبر است
(المنتخب، فخر الدین الطریحی، ص408)

ترجمه سیف بن عمیره

مرحوم آیت الله العظمی خوئی در معجم رجال الحديث می گوید:

«قال النجاشی: سیف بن عمیره النخعی، عربی، کوفی، ثقة، روی عن أبي عبد الله و أبي الحسن (عليه السلام)....»

«و قال الشيخ: سیف بن عمیره، ثقة کوفی نخعی عربی....»

«و قال ابن شهرآشوب فی المعالم: سیف بن عمیره، ثقة من أصحاب الكاظم (عليه السلام)»

نجاشی می گوید: سیف بن عمیره نخعی، عرب و کوفی و مورد اعتماد است. از امام صادق و امام موسی کاظم (علیهما السلام) روایت نقل کرده است....

شیخ طوسی گفته است: سیف بن عمیره، مورد اعتماد، کوفی، اهل نخع و عرب است....

ابن شهر آشوب در المعالم گفته است: سیف بن عمیره، مورد اعتماد و از اصحاب امام کاظم (عليه السلام) است.

(معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، السيد أبو القاسم الموسوی الخوئی، ج8، ص365-364، رقم5658)

ترجمه فخرالدین طریحی

مرحوم آیت الله العظمی خوئی در معجم رجال الحديث می گوید:

«قال الشيخ الحر فی تذكرة المتبحرين: الشيخ فخر الدين بن محمد بن علي بن أحمد بن طريح النجفي، فاضل،

زاهد، ورع، عابد، فقيه، شاعر، جلیل القدر، له كتب، منها: مجمع البحرين و المقتل و الفخرية فی الفقه و

المنتخب فی الزيارة و الخطب»

شيخ حرّ عاملی در تذكرة المتبحرين می گوید: شيخ فخر الدين بن محمد بن علي بن احمد بن طريح نجفی،

فاضل، زاهد، اهل ورع، عابد، فقيه، شاعر، جلیل القدر، برای او کتاب هایی است: مجمع البحرين، المقتل،

الفخرية فی الفقه، المنتخب فی الزيارة و الخطب.

(معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، السيد أبو القاسم الموسوی الخوئی، ج13، ص252، رقم9304)

شبهه:

امکان دارد شبهه ایجاد شود که منظور از رقیه در شعر، دختر امام حسین (علیه السلام) نباشد.

در جواب می‌گوییم:

1- در شعر آمده که حسودان برای ضعف حضرت رقیه (سلام الله علیها) دل سوزاندند، ولی رقیه دختر

امیرالمؤمنین (علیه السلام) صاحب فرزند بودند و ضعف بر زن صاحب فرزند صحیح نیست.

2- سیف بن عمیره رحمه الله، حضرت رقیه (سلام الله علیها) را در کنار حضرت سکینه (سلام الله علیها) آورده است.

3- در شعر آمده که «يَدْعُونَ أُمَّهُمْ الْبَتُولَةَ فَاطِمًا» واژه دعون، صیغه جمع است و باید به سه نفر اشاره داشته

باشد که همه از نوادگان حضرت زهرا (سلام الله علیها) باشند. قبل از این بیت، سه خانم به نام ام کلثوم

(علیها السلام) که دختر حضرت زهرا (سلام الله علیها) است، سکینه (سلام الله علیها) که نوه آن حضرت است و

حضرت رقیه (سلام الله علیها). به طبع باید ایشان هم نوه حضرت زهرا (سلام الله علیها) باشد. یعنی دختر امام

حسین (علیه السلام). همچنین رقیه دختر امیرمؤمنان، مادرش الصهباء تغلبیه است و دختر حضرت زهرا (سلام

الله علیها) نیست تا واژه امهم از زبان او درست باشد.

3. لباب الأنساب والألقاب والأعقاب

نسب شناس معروف قرن ششم، ابن فُنْدُق بیهقی متوفی 565 هجری قمری در لباب الأنساب در بیان فرزندی

که از نسل امام حسین (علیه السلام) باقی مانده اند، می‌نویسد:

«وَلَمْ يَبْقَ مِنْ أَوْلَادِهِ إِلَّا زَيْنُ الْعَابِدِينَ (علیه السلام)، و فاطمة و سَكِينَةُ و رُقِيَّةُ»

از فرزندان امام حسین (علیه السلام)، جز زین العابدین (علیه السلام)، فاطمه، سکینه و رُقِیَّه، باقی نماند.

(لباب الأنساب و الألقاب و الأعقاب، أبی الحسن علی بن ابی القاسم بن زید البیهقی، الشهیر بابن

فندق، ج1، ص355)

ترجمه أبو الحسن بن أبی القاسم بن الحسين البیهقی

میرزا حسین نوری متوفی 1320 هجری قمری، در باب 25، درباره وی می‌گوید:

«العالم المتبحر أبو الحسن، أو الحسن بن الشيخ أبی القاسم بن الحسين البیهقی، الفاضل المتکلم، الجلیل

المعروف: بفريد خراسان... کان من اجلة مشايخ ابن شهر آشوب، و من كبار أصحابنا»

عالم متبحر، ابوالحسن یا حسن بن شیخ ابوالقاسم بن حسین بیهقی، فاضل، متکلم، جلیل، معروف به فريد

خراسان.... از جلیل ترین اساتید ابن شهر آشوب بوده، و از بزرگان اصحاب ما است.

(خاتمة مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری طبرسی، المیرزا الشیخ حسین النوری الطبرسی، ج3، ص99)

سید محسن امین متوفی 1371 هجری قمری می گوید:

«أقوال العلماء فيه: يستفاد مما ذكره العلماء في حقه..... انه كان لغويا نحويا صرفيا منطقيا متأدبا شاعرا أدبيا ناظرا في الطب، عالما بعلم الحديث، فقيها، عالما بعلم النظر والجدال واعظا.... انه كان من أجلة مشايخ ابن شهر آشوب وكبار علماء الإمامية وقد ذكره ابن شهر آشوب في المعالم وابن الحر في أمل الآمل والأفندی في رياض العلماء والنوری في مستدرکات الوسائل»

از آنچه که علما در حَقِّش گفته اند استفاده می شود که همانا او اهل لغت، نحو، صرف و منطق بود. با ادب، شاعر، ادیب، ناظر بر طب، عالم به علم حدیث، فقیه، عالم به علم نظر و جدال، واعظ.... قطعا او از جلیل ترین استادان ابن شهر آشوب بوده و از بزرگان علما امامیه می باشد. ابن شهر آشوب در المعالم و شیخ حرّ عاملی در أمل الآمل (تذکره المتبحرین) و عبدالله افندی در ریاض العلماء و میرزا حسین نوری در مستدرک الوسائل. (أعیان الشیعه، الامام السید محسن الأمین، ج 8، ص 243)

شبهه اوّل

خود ابن فندق در پنج صفحه قبل از بیان این مطلبش در لباب الأنساب، نام دختران امام حسین را ذکر می کند، و در آنجا نامی از رقیه نمی برد و دختران آن حضرت را فاطمه سکینه ام کلثوم و زینب می شمارد.

روش علمای خبره در تألیف کتب این بوده که منابع متعدد معتبر را پیرامون یک موضوع جمع آوری می کردند و بعد شروع به تألیف کتاب می کردند و چون منابع معتبر گاهی با هم تنافی داشتند، این تنافی به کتاب آنها راه می یافت. ابن فندق هم چاره ای غیر از آوردن این اقوال مختلف نداشت، چرا که منابع در نزد او معتبر بود و چنین منابعی قابل اغماض نیست. این که ابن فندق در مقام شمارش اولاد امام حسین (علیه السلام) نامی از حضرت رقیه (سلام الله علیها) نمی برد و در جای دیگر نام ایشان را می برد به خاطر تنافی در منابع می تواند باشد. از این دست تنافی ها در کتب مقاتل و تواریخ کم نیست و نمی شود به همه آنها نسبت سهو داد. (مثل قاتل امام حسین علیه السلام)

نتیجتاً این که، از نقل لباب الأنساب فهمیده می شود که در بعض منابع قدما نام رقیه (سلام الله علیها) آمده است و صرف وجود نام شریف ایشان در بعض منابع قدما برای استدلال ما کافی است.

شبهه دوّم

ابن فندق نوشته که غیر از زین العابدین و سکینه و فاطمه و رقیه سلام الله علیهم، کسی از اولاد امام (علیه السلام) باقی نماند، در حالی که رقیه (سلام الله علیها) که در شام به شهادت رسید فقط سه سال داشت و نسلی ندارد تا جزء باقیماندگان امام حسین (علیه السلام) محسوب شود. زیرا که در کلام عرب و نسب شناسان، اگر جمله «لم یبق الا فلان» استعمال شود، مراد این است که فلانی برای او باقی ماند و نسل او را ادامه داد.

جمله «لم یبق الا فلان» در جایی استعمال می شود که فلانی نسل را ادامه داده باشد، این حرف درست نیست.

چرا که این جمله را به دست هر عربی بدهی چه جاهل و چه عالم و چه نسب شناس، به هیچ وجه این را که ایشان فهمیده، نمی فهمد و این جمله بر فرزندی که حتی یک روز بعد پدرش زنده باشد صادق است. مثلاً در میان کتب انساب گاهی صریحاً کودکی را باقیمانده از طایفه ای می داند در حالی که بچه عقبی ندارد. ظهورات هر کلامی در آن زبان حجت است.

4. الْمَلْهُوفِ عَلَى قَتْلَى الطُّفُوفِ

ابوالقاسم رضی الدین سید علی بن طاووس متوفی 664 هجری قمری می باشد. سید بن طاووس در سخنی که امام برای آرام کردن خواهر، همسر و فرزندان به آنان می فرماید، آورده است:

«يَا أُخْتَاهُ، يَا أُمَّ كُلْثُومَ وَ أَنْتِ يَا زَيْنَبَ وَ أَنْتِ يَا رُقَيَّةَ وَ أَنْتِ يَا فَاطِمَةَ وَ أَنْتِ يَا رُبَابَ! أَنْظُرْنَ إِذَا أَنَا قُتِلْتُ فَلَا تَشَقَّقْنَ عَلَيَّ جَبِيئاً وَ لَا تَحْمُشْنَ عَلَيَّ وَجْهاً وَ لَا تَقْلَنَّ عَلَيَّ هَجْراً»

خواهرم، ام کلثوم و تو ای زینب! تو ای رقیه و فاطمه و رباب! سختم را در نظر دارید هنگامی که من کشته شدم، برای من گریبان چاک ننزید و صورت نخرشید و سخنی ناروا مگویید.

(الْمَلْهُوفِ عَلَى قَتْلَى الطُّفُوفِ، علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس الحسینی، ص 141)

ترجمه سید بن طاووس

آیت الله العظمی خوئی می گوید:

«علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن احمد بن احمد بن محمد بن محمد بن محمد الطاوس العلوی الحسینی - رضی الدین قدس سره - من أجلاء هذه الطائفة و ثقاتها، جلیل القدر عظیم المنزلة..... و قال الشيخ الحر فی تذكرة المتبحرين حاله فی العلم و الفضل و الزهد و العبادة و الثقة و الفقه و الجلالة و الورع أشهر من أن يذكر.... له مصنفات كثيرة منها:..... و كتاب الملهوف علی قتلی الطفوف»

علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن احمد بن احمد بن محمد بن محمد بن محمد بن محمد الطاوس علوی حسینی رضی الدین قدس سره، از جلیل ترین این طائفه و مورد اعتماد آن است. جلیل القدر، عظیم المنزله.... شیخ حرّ عاملی در تذکره المتبحرین می گوید: حال او در علم و فضل، زهد، عبادت، مورد اعتماد و فقه و جلالت و ورع مشهور تر است از اینکه ذکر کنیم.... برای او کتاب های زیادی است مثل: کتاب الملهوف علی قتلی الطفوف.

(معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، السید أبو القاسم الموسوی الخوئی، ج 12، ص 188، رقم 8532)

شبهه اول:

شاید گفته شود که منظور از حضرت رقیه که در کلام حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) آمده است، خواهر امام حسین (علیه السلام) و همسر مسلم بن عقیل (علیه السلام) باشد که در کربلا حضور داشته است. می گوییم: اولاً: رقیه ای که همسر حضرت مسلم می باشد و از او فرزندی به نام عبدالله در کربلا به شهادت رسید، قبل از حادثه کربلا وفات یافته است.

ثانیا: در این نقل واکثر نقل ها که امام اهل حرم را مورد خطاب قرار می دهد، نام حضرت رقیه را در کنار دختران خویش قرار می دهند.

شبهه دوّم:

می گویند که در لهوف قدیمی، نامی از حضرت رقیه (سلام الله علیها) نیامده است. حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی حفظه الله چنین گفته اند:

این مطلب برای ما ثابت نیست و آنچه در لهوف آمده است این است که: مرحوم سید بن طاووس در حوادث عصر تاسوعا آنجا که نقل می کند حسین (علیه السلام) زنان را دلداری می دهد، از رقیه نام می برد و می نویسد: امام حسین (علیه السلام) امّ کلثوم، زینب، رقیه، فاطمه و رباب را مورد خطاب قرار داد و آنها را به صبر و بردباری دعوت کرد ولی مشخص نکرده است که آیا او فرزند امام حسین (علیه السلام) و چند ساله بود...

5. إحقاق الحق و إزهاق الباطل

شهید سیّد نور الله حسینی مرعشی تُستری معروف به شهید ثالث، صاحب مجالس المؤمنین، قاضی شهید متوفی سال 1019 هجری قمری است. ایشان در وداع امام حسین (علیه السلام) با اهل بیتش می آورد: «ثم نادى : يا أمّ کلثوم ویا سکینه ویا رقیة ویا عاتكة ویا زینب یا اهل بیتى علیکن منی السلام» آنگاه فریاد بر آورد ای ام کلثوم، ای سکینه، ای رقیه، ای عاتکه، ای زینب، ای اهل بیت من، من نیز رفتم، خداحافظ.

(إحقاق الحق وإزهاق الباطل، القاضی الشهید نور الله التستری، ج 11، ص 633)

ترجمه شهید سیّد نور الله حسینی مرعشی تُستری:

علامه سیّد محسن امین می گوید:

«القاضی نور الله بن شریف الدین بن نور الله المرعشی الحسینی التستری الشهیر بالأمیر السید المعروف بالشهید الثالث..... فی تتمّة أمل الآمل : أحد أركان الدهر وأفراد الزمان العالم العلم العلامة المتکلم الفرید والمناظر الوحید والمجاهد السعید بحر العلوم....»

قاضی نورالله بن شریف الدین بن نور الله مرعشی حسینی تستری مشهور به امیر سید، معروف به شهید ثالث.... شیخ حرّ عاملی در آخر أمل الآمل (تذکرة المتبحرین) می گوید: یکی از ارکان و افراد زمان است. عالم به علم، علامه متکلم یگانه، تنها در مناظره، و مجاهد پیروز، دریای علم....

(أعیان الشیعه، الامام السید محسن الأمین، ج 10، ص 228)

6. الدمعة الساكبة في احوال النبي و العترة الطاهرة

محمد باقر بن عبدالکریم بهبهانی، متوفی سال 1205 هجری قمری داستانی را به نقل از بعضی از کتب اصحاب امامیه آورده است تا آنجا که امام حسین (علیه السلام) فرمودند:

«ثُمَّ لَزِمَهُ بَيْدَهُ (علیه السلام) وصاح بأعلى صوته : يَا زَيْنَبُ! يَا أُمَّ كُلْثُومَ! يَا سَكِينَةَ! يَا رُقَيْيَةَ! يَا فَاطِمَةَ! اِسْمَعْنَ كَلَامِي وَاعْلَمْنَ أَنَّ ابْنِي هَذَا خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ، وَهُوَ إِمَامٌ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ»

سپس امام حسین (علیه السلام) دست امام سجاد (علیه السلام) را گرفت و با صدایی بلند فرمود: ای زینب، ای ام کلثوم، ای سکینه، ای رقیه، ای فاطمه کلام مرا بشنوبید و بدانید این فرزندم، خلیفه من بر شما و امام واجب اطاعت بر همگان است.

(الدمعة الساكبة في احوال النبي والعترة الطاهرة، المولى محمد باقر بن عبد الكريم البهبهاني، ج4، ص351)

ترجمه محمد باقر بن عبدالکریم بهبهانی

عمر رضا کحاله، از عالمان رجالی اهل سنت در قرن معاصر بوده است، می گوید:

«محمد باقر بن عبد الكريم الدهشتي، البهبهاني، الكتبي، فاضل النجفی.»

(معجم المؤلفين تراجم مصنفی الكتب العربیة، عمر رضا کحاله، ج9، ص88)

حضرت آیت الله العظمی سبجانی می گوید:

«كان من أعلام الإسلام وأفذاذ المحققين، ورائد حركة التجديد في أصول الفقه، وزعيم الإمامية في عصره»

از اعلام های اسلام و با نفوذ ترین محققین بود. باعث حرکت جدید در اصول فقه شد و زعيم امامیه در زمان خودش بود.

(موسوعة طبقات الفقهاء، العلامة المحقق جعفر السبحاني، ج 13، ص 529)

علامه سید محسن امین می گوید:

«وصفه تلميذه السيد مهدي بحر العلوم في بعض إجازاته بقوله شيخنا العالم العامل العلامة وأستاذنا الحبر الفاضل الفهامة المحقق النحرير والفقيه العديم النظير...البحر الزاخر و الامام الباهر»

شاگردش سید مهدی بحر العلوم در بعضی از اجازاتش اینگونه توصیف کرده است: شیخ ما، عالم عامل، علامه و استاد ما فاضل، بسیار فهیم، محقق، فقیهی که مثلش نبود، دریای موج و امام متبهر....

(أعيان الشيعة، الامام السيد محسن الأمين، ج9، ص182)

7. ینابیع المودة لذوی القربی

سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، متوفی 1294 هجری قمری است. ایشان در وداع امام حسین (علیه السلام) می آورد:

ثم نادى : «يا أم كلثوم، ويا سكينه، ويا رقية، ويا عاتكة، ويا زينب، يا أهل بيتي عليكن مني السلام»
ای ام کلثوم، ای سکینه، ای رقیه، ای عاتکه و ای زینب! ای اهل بیت من! خدانگهدار؛ من نیز رفتم.
(ینابیع المودة لذوی القربی، سلیمان بن ابراهیم القندوزی الحنفی، ج 3، ص 79)

ترجمه سلیمان بن ابراهیم قندوزی

خیرالدین زرکلی می گوید:

«سلیمان بن خوجه ابراهیم قبلان الحسینی الحنفی النقشبندی القندوزی: فاضل، من أهل بلخ، مات فی القسطنطینیة. له (ینابیع المودة - ط)»

سلیمان بن خواجه، ابراهیم قبلان حسینی حنفی نقشبندی قندوزی، فاضل، از اهل بلخ، در قسطنطنیه درگذشت.
برای او ینابیع مودة است

(الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربین والمستشرقین، خیر الدین الزرکلی، ج 2، ص 206)

8. مهیج الاحزان و موقد النیران فی قلوب اهل الایمان

این کتاب، نوشته حسن بن محمد علی یزدی می باشد و در تاریخ 1259 هجری قمری به اتمام رسیده است و خود متوفای 1297 هجری قمری می باشد. ایشان در مجلس دهم از کتاب به نقل از حمید بن مسلم می نویسد: من با لشگر پسر زیاد بودم و نظر می کردم به سوی آن طفل که بر روی دست سیدالشهداء شهید شد، ناگاه دیدم از خیمه، زنی بیرون آمد نورانی که نورش نور آفتاب را فرو می نشاند. پا بر دامن زنان گاهی می افتاد و گاهی بر می خاست و می گفت: واولداه! واقتیلاه! وامهجه قلباه! تا آمد به نزد آن طفل و خود را بر روی آن انداخت و دخترانی چند از خیمه بیرون دویدند و خود را بر روی نعش آن طفل شهید انداختند. سیدالشهداء با قوم در گفت و گو بود. چون این را دید به همان حال به سوی آن زن رفت و او را موعظه و نصیحت کرد و به مدارا و ملاطفت، او را به خیمه برگردانید. از کسانی که دورم بودند، پرسیدم: این زن کیست؟ گفتند: ام کلثوم و آن دختران، فاطمه و سکینه و رقیه می باشند.

(مهیج الاحزان و موقد النیران فی قلوب اهل الایمان، ص 244)

ترجمه حسن بن محمد علی یزدی

سید محسن آمین می گوید:

«المولى حسن على اليزدى الكثنوى الحائرى. توفى سنة 1297. عالم فاضل»
مولى حسن على يزدى كثنوى حائرى، متوفى سال 1297، عالم و فاضل است.

و در جای دیگر می گوید:

«المولى حسن بن محمد على اليزدى الحائرى.عالم فاضل مؤلف كان أرشد تلاميذ السيد محمد الطباطبائي المعروف بالمجاهد المتوفى أستاذه المجاهد سنة 1242 له من المؤلفات.» (1) (مهيچ الأحزان)
مولى حسن بن محمد على يزدى حائرى، عالم، فاضل، مؤلف، از برترین شاگردان سيد محمد طباطبائي معروف به مجاهد است. استادش مجاهد در سال 1242 درگذشت. برای او مؤلفاتی است: 1- مهيچ الأحزان (أعيان الشيعة، الامام السيد محسن الأمين، ج5، ص217 و26)

خير الدين زركلى، از علمای رجال اهل سنت درباره این شخص می گوید:
«حسن بن على اليزدى: واعظ إمامى من أهل الحائر»

(الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربين والمستشرقين، خير الدين الزركلى، ج2، ص206)

9. أعيان الشيعة

علامه سيد محسن امين، متوفى 1371 هجرى قمرى در كتاب معتبر و معروف أعيان الشيعة كه در شرح زندگى و احوال بزرگان شيعة نوشته شده است. اين كتاب، جامع ترين تذكرة و يا دائره المعارفى است در احوالات رجال شيعة در دولت هاى اسلامى و شرح عقايد تشيع در اصول و فروغ. در اين كتاب نيز از حضرت رقيه (سلام الله عليها) سخن به ميان آمده و مى نويسد كه:

115 : رقية بنت الحسين (عليه السلام)

«ينسب إليها قبر ومشهد مزور بمحلة العمارة من دمشق الله أعلم»

115: رقيه دختر امام حسين (عليه السلام)

برای او قبر و محل شهادتى را در محله عماره در دمشق نسبت داده اند. خدا داناتر است.

(أعيان الشيعة، الامام السيد محسن الأمين، ج7، ص34)

سيد محسن امين عاملی، فقيه موّرخ، اديب دانشمند، خاتم مجتهدان شام، شاعر بزرگ و رهبر شيعيان كه مقام مرجعيت بزرگ را دارا بود.

10. ریاحین الشریعه

مرحوم شیخ ذبیح الله محلاتی در این کتاب، در ترجمه بانوان دشت کربلا می آورد:

رقیه بنت الحسین (علیها السلام)

در منتهی الآمال از کتاب کامل بهائی نقلاً از کتاب حاویه چنین آورده که زنان خاندان نبوت در حالت اسیری حال مردانی که در کربلا شهید شده بودند بر پسران و دختران ایشان پوشیده می داشته اند و هر کودکی را وعده ها می دادند که پدر تو به فلان سفر رفته باز می آید تا ایشان را به خانه زید آوردند. دخترکی بود چهارساله شبی از خواب بیدار شد گفت: پدرم حسین (علیه السلام) در کجا است؟ این ساعت او را به خواب دیدم. اهل بیت سخت پریشان شدند. زنان و کودکان جمله در گریه افتادند و فغان از ایشان برخواست. یزید خفته بود از خواب بیدار شد و پرسید: این ناله و شیون چیست؟ خبر بردند که حال چنین است. گفت: بروید و سر پدرش را ببرید در کنار او بگذارید. چون آن سر مقدس را بیاوردند و در کنار او نهادند، پرسید: این چیست؟ گفته اند مقصود تو در میان این طبق است. آن دختر بترسید و فریاد برآورد و رنجور شد و در آن چند روز جان به حق تسلیم کرد
(ریاحین الشریعه در ترجمه بانوان دانشمند شیعه، چاپ دار الکتب السلامیه تهران، ج 3، ص 309)

حضرت رقیه (سلام الله علیها) در کلام بزرگان و مراجع عظام تقلید

حضرت آیت الله العظمی بروجردی (رضوان الله علیه)

پایگاه اطلاع رسانی ایشان، می نویسد:

بنابر نظر مشهور، تاریخ نگاران معروف نام ده فرزند را برای امام حسین (علیه السلام) ذکر می کنند که شش تن آنها پسر و بقیه دختر می باشند. دختران حضرت (علیه السلام) عبارت بودند از زینب، سکینه، فاطمه و رقیه و همچنین پنج صفر را «شهادت حضرت رقیه دختر امام حسین (علیه السلام) در شام» می دانند.

حضرت آیت الله العظمی سید صادق روحانی

از ایشان سؤال کرده اند:

متأسفانه اخیراً برخی افراد نسبت به وجود مقدس حضرت رقیه بنت الحسین تردید کرده و شبهه پراکنی می کنند؛ برای روشن شدن افکار عمومی و رفع شبهه از جامعه پاسخ مستدل و مستندی در این خصوص مکتوب

فرموده تا انشاء الله در حد بضاعت اطلاع رسانی گردد.

جواب فرمودند:

اولاً راجع به حضرت رقيه (سلام الله عليها) اخيراً كتابی نوشته شده است و خیلی خوب اثبات نموده به اینکه حضرت رقيه 3 ساله در خرابه شام از دنیا رفته و قبرش هم در آنجا است و معجزات زیادی هم نقل شده است، ثانیاً قاعده ای در فقه است به نام قاعده تسامح در ادله سنن، مقتضی آن قاعده این است که آنچه راجع به این دختر 3 ساله گفته اند شما هم نقل کنید و به زیارت او بروید همه اش بر طبق موازین شرعی است و به این طور شبهات اعتنا نکنید.

حضرت آیت الله العظمی سید محمد حسینی شاهرودی (حفظه الله)

سوال 1513 از کتاب استفتائات صفحه 389:

لطفاً نظر حضرتعالی را در رابطه با حضرت رقيه بفرمایید.

جواب:

از قول بعضی محققین و سیره عملیه مستمره متدینین در تشرف به زیارت آن حضرت برای ما وثوق و اطمینان حاصل می شود که حضرت اباعبدالله (علیه السلام) دختری به نام رقيه (سلام الله عليها) داشته اند و در آن مکان مقدس دفن شده است.

ایشان در مناسبت های سایتشان، در روز پنجم صفر می فرمایند:

روز پنجم ماه صفر: شهادت حضرت رقيه (سلام الله عليها)

در روز پنجم ماه صفر سال 61 هـ. حضرت رقيه مظلومانه به شهادت رسید. نام شریفش «رقيه»، «فاطمه» و

«زینب» است. پدرشان مولانا الشهید اباعبدالله الحسین (علیه السلام) و مادرشان ام اسحاق است.

ولادت آن حضرت در مدینه بود و در سن سه سالگی یا بیشتر در محرم 61 هجری با پدر بزرگوارش به کربلا آمد.

قبل و بعد از روز عاشورا بارها مورد تفقد و دلجویی اباعبدالله (علیه السلام) قرارگرفت تا آنجا که به خواهرشان

حضرت زینب (سلام الله عليها) در مورد او سفارش فرمودند. بعد از شهادت امام حسین (علیه السلام) و اهل

بیت و اصحاب، همراه با اسرا به کوفه و شام برده شد و در مسیر چهل منزل راه شام رنج های فراوانی دید.

در شام بعد از دیدن سر نورانی پدر با پیشانی شکسته در خرابه، آنقدر ناله زد و گریست تا به ملکوت اعلا پیوست،

و بدن شریف آن حضرت را شبانه دفن کردند.

از کهن ترین منابعی که نام آن حضرت با لفظ رقيه یاد شده قصیده سیف بن عمیره نخعی کوفی از اصحاب امام

جعفر صادق و امام موسی کاظم (علیهما السلام) است.

حضرت آیت الله العظمی محمد علی گرامی (مدّ ظلّه العالی)

سلام علیکم نظر حضرتعالی درباره وجود حضرت رقيه (سلام الله عليها) چیست؟ آیا ایشان دختر امام حسین

(علیه السلام) است؟

جواب: بسمه تعالی

به نظر حقیر ایشان همان فاطمه صغری هستند که رقيه لقب اوست، و به هر حال قبر منسوب به ایشان معتبر

و زیارت آن ثواب دارد. و حوائجی گرفته شده است.

والسلام

حضرت آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی (حفظه الله)

بسمه تعالی

محضر مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الشریف

با سلام و تحیت؛

بفرمایید آیا طبق تاریخ و روایات معتبر، امام حسین (علیه السلام) دختری به نام رقیه داشته اند یا خیر؟ آیا تردید

در وجود چنین فرزندی و نیز انتساب بارگاه مطهر دمشق به ایشان جایز است؟

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

علیکم السلام و رحمة الله

طبق بعض کتب مقاتل و تاریخ، حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) چنین فرزندی داشته اند که در شام رحلت کرده اند. علاوه بر شهرت این موضوع، به طور کلی مشاهد و مقامات مشرفه از جهت انتساب به اهل بیت

(علیهم السلام) مزار، و مورد تجلیل و احترام است چنانکه شهرت اشخاص به سیادت جایز الانکار نیست.

شهرت مثل این بارگاه مقدسه نیز مخصوصاً با توجه به قرائن معتبر مورد انکار نیست. این مشاهد و روضه های

مقدسه سادات عظام و مفاخر اسلام نیز از این جهت که از مراکز ذکر فضایل آن بزرگواران و تبلیغات اسلامی و

ذکر دعا است باید محترم باشد و این تردیدها بی جا است و سزاوار نیست. موفق باشید.

حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی (دام ظلّه)

سلام علیکم

نظر حضرتعالی درباره حضرت رقیه (سلام الله علیها) چیست؟ آیا ایشان دختر امام حسین (علیه السلام) می

باشند؟

جواب: بسمه تعالی

بله طبق کتب تاریخی دختر امام حسین (علیه السلام) است.

همیشه در پناه خداوند مؤید باشید.

حضرت آیت الله العظمی علوی گرگانی (حفظه الله)

شناسنامه حضرت رقیه

حضرت رقیه فرزند امام حسین (علیه السلام) است. بر اساس نوشته های بعضی کتاب های تاریخی، نام مادر

حضرت رقیه (علیها السلام)، امّ اسحاق است که پیشتر همسر امام حسن مجتبی (علیه السلام) بوده و پس از

شهادت ایشان، به وصیت امام حسن (علیه السلام) به عقد امام حسین (علیه السلام) درآمده است. در مورد

تاریخ تولد حضرت رقیه چیزی معلوم نیست.

در تعداد دختران امام حسین و نام های آنها اختلاف وجود دارد. آنچه از منابع به دست می آید امام حسین

(علیه السلام) دارای چهار دختر به نام های فاطمه کبری، فاطمه صغری، سکینه و رقیه بوده است.

حضرت آیت الله العظمی مظاهری (حفظه الله)

سؤال:

با عرض سلام خدمت حضرت آیت الله العظمی مظاهری (حفظه الله)

مدتی است که تشکیکاتی در وجود حضرت رقیه (سلام الله علیها) می کنند. سؤال بنده از حضرتعالی این است که نظر حضرتعالی درباره حضرت رقیه (سلام الله علیها) چیست؟ آیا ایشان دختر امام حسین (علیه السلام) می باشند؟

جواب: بسمه تعالی

امام حسین «سلام الله علیه»، چنین دختری داشته اند و تشکیک در این زمینه حرام است و ظلم به دختر امام حسین «سلام الله علیه» است.

حضرت آیت الله حسین المظاهری

بسمه تعالی

امام حسین «علیه السلام» دختری به نام رقیه داشته اند و در کربلا همراه ایشان بوده است.

حضرت آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی (حفظه الله)

شکی نیست که دختر کوچکی از امام حسین (علیه السلام) در شام از دنیا رفت و در آنجا دفن شد و حرم فعلی منسوب به همان دختر است اما این که نام آن دختر «رقیه» بوده یا نام دیگری داشته در بین دانشمندان اسلامی اختلاف نظر وجود دارد، هر چند معروف این است که نامش رقیه است. همیشه موفق باشید.

حضرت آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی (رضوان الله تعالی علیه)

مزار کنونی حضرت رقیه بنت الحسین (علیهما السلام) در شام، از اول مشهور بوده، گویا حضرت امام حسین (علیه السلام) نشانی را از خود در شام به یادگاری سپرده است، تا فردا کسانی پیدا نشوند که به انکار اسارت خاندان طهارت (علیهم السلام) و حوادث آن پردازند، این دختر خردسال گواه بزرگی است بر این که در ضمن اسیران حتی دختران خردسال نیز بوده اند، ما ملتزم به این هستیم که بر دفن حضرت رقیه (علیها السلام) در این مکان شهرت قائم است، حضرت (علیها السلام) در این مکان جان سپرده و دفن شده است. ما به زیارتش شتافتیم، و باید احترام او را پاس داشت، (نگویید خردسال است) علی اصغر (علیه السلام) که کودک شیرخواری بود، دارای آن مقامی است که روبروی حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) در کربلا دفن گردید، گفته اند که دفن وی در این مکان نشان از آن دارد که در روز حشر حضرت (علیه السلام) این کودک (علی اصغر علیه السلام) خردسال را به دست خواهد گرفت و نشان خواهد داد.

دفن این طفل خردسال (حضرت رقیه علیها السلام) در شام گواه بزرگ و نشان قوی از اسارت خاندان طهارت، و ستم روا داشته بر ایشان دارد، آن ستمی که تمام پیامبران از آدم تا خاتم بر آن گریستند، تا آنجا که خدا عزای امام حسین (علیه السلام) را بر آدم خواند، از این رو احترام این مکان لازم است، به سخنان فاسد گوش فرا ندهید، و به سخنان باطلی که می گویند: رقیه (علیها السلام) طفلی خردسال بیش نبود، گوش فرا ندهید، مگر علی اصغر (علیه السلام) کودک خردسال نیست که در روز قیامت شهادی خواهد بود، و موجب آمرزش گنهکاران شیعه خواهد شد ان شاء الله تعالی.

بنابراین بر همه واجب است احترام این مکان (محل دفن حضرت رقیه علیها السلام) را داشته باشند، و به سخنان فاسد و بیهوده ای که از گمراهی شیاطین است، گوش فرا ندهند و اعتنایی نکنند. ما با زیارت دختر امام حسین

(علیه السلام) (رقیه علیها السلام) به خداوند متعال تقرب می جوئیم، آن دختری که خود مظلوم بود، و خاندان وی همه مظلوم بودند.

نتیجه کلام: مجرد شهرت در ثبوت پاره ای از موضوعات خارجی کافی است و لذا اثبات قبر حضرت رقیه، بنت الحسین (علیهما السلام)، نیازی به اقامه بینه وجود ندارد بلکه صرف شهرت در اثبات آن مکان شریف کافی می باشد.

حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی (حفظه الله)

در کتاب هایی چون کامل بهائی و نفس المهموم و کتاب های معتبر دیگر دختر خردسالی که برخی نام او را «رقیه» نامیده اند و در شام به شهادت می رسد، برای امام حسین (علیه السلام) ذکر کرده اند و اگر کسی برای آن حضرت نذر کند، باید آن را ادا نماید و مضجع موجود در دمشق متعلق به آن حضرت است.

حضرت آیت الله العظمی شیخ حسین وحید خراسانی (حفظه الله)

ایشان در پاسخ به استفتاء «آیا حضرت رقیه (سلام الله علیها) دختر امام حسین (علیه السلام) هستند یا خیر؟» فرمودند: بله.

گزیده ای از قصیده «وداع امام حسین (علیه السلام)» درباره حضرت رقیه (سلام الله علیها) سروده مرجع گرانقدر جهان تشیع حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ حسین وحید خراسانی (مدظله)

شخصی که حتی یک بار از دفتر حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی استفتاء نمایند، متوجه خواهند شد که پاسخ استفتاء توسط جناب آقای سید علی فاطمی فرستاده خواهد شد.

ایشان در درس تفسیر خود، مجلس عزاداری برای حضرت رقیه (سلام الله علیها) گرفتند:

مراسم عزاداری برای حضرت رقیه علیها السلام در درس تفسیر آیه الله العظمی وحید خراسانی (مد ظله)
مراسم عزاداری برای حضرت رقیه (علیها السلام) دخت مکرم حضرت اباعبدالله الحسین سیدالشهداء (علیه السلام) در درس تفسیر آیه الله العظمی وحید خراسانی (مد ظله العالی) (1391/09/29) در مسجد اعظم قم برگزار گردید.

حضرت آیت الله العظمی سید علی حسینی سیستانی:

بیت معظم له در نجف اشرف، تقویمی به اسم «مَوَاقِیْتُ الْأَهْلِیَّة» برای هر سال قمری تنظیم و توضیح می نمایند. در «أهم الوقائع التاريخية فی شهر صفر» می آورد: الخامس منه شهادة رقیة بنت الإمام الحسین (علیه السلام)

حضرت آیت الله میر سید محمد یثربی (حفظه الله)

مدتی است که تشکیکاتی در وجود حضرت رقیه (سلام الله علیها) می کنند. سؤال بنده از حضرتعالی این است که نظر حضرتعالی درباره حضرت رقیه (سلام الله علیها) چیست؟ آیا ایشان دختر امام حسین (علیه السلام) می باشند؟

وجود چنین دختری از حضرت سید الشهداء (علیه السلام) از مسلمات تاریخ است. برای اطلاع بیشتر به کتب

فضلاى حوزه كه اخيرا تدوين شده است مانند ريحانه كربلا اثر عبدالحسين نيشابورى مراجعه فرماييد.

حضرت آيت الله سيد محمد جواد علوى بروجردى (حفظه الله)

ايشان حضرت رقيه (سلام الله عليها) را واقعى و غير قابل انكار دانسته اند:

قابل انكار نبودن شخصيت حضرت رقيه در تاريخ

اين همان هنرى است كه زينب كبرى (سلام الله عليها) در اولين عزادارى براى امام حسين (سلام الله عليه) مردم را در شام مى گرياند، زينب كبرى براى خودش در هر خانه اى يك نماينده اى از عاشورا و كربلا گذاشت و روزى هم كه مى رفت زنان شامى جمع شدند و او را بدرقه كردند و ايشان نيز سفارش رقيه را به آنها كرد. شخص رقيه خاتون در تاريخ واقعى است و قابل انكار نيست و آن شاعر در مقابل امام صادق (عليه السلام) شعري مى خواند و از رقيه به عنوان دختر امام حسين ياد مى كند

بيانات کوتاه حضرت آيت الله علوى بروجردى بعد از درس خارج فقه به مناسبت شهادت حضرت رقيه (سلام الله عليها)

امروز طبق بعضى از نقل ها و روايات مصادف است با شهادت حضرت رقيه بنت الحسين (عليها السلام).

ما بايد به تمام قوا و در تحت هر شرايطى تمام آثار مربوط به سيدالشهدا (عليه السلام) را حفظ كنيم. وجود مقدس حضرت رقيه و شهادت آن نازدانه يادگارى از سيدالشهدا در بلاد دمشق باقىماند.

حضرت علامه آيت الله حسيني ميلانى (حفظه الله)

۱- صحت وجود دختری به نام «رقيه» با مشخصاتی که ارباب مقاتل در مورد کیفیت شهادت آن درخرايه شام نقل کرده اند چیست؟

۲- صحت انتساب چنین دختری به امام حسين (عليه السلام) چگونه ميباشد؟

۳- صحت انتساب حرم موجود در نزديك دمشق به دختری به نام حضرت رقيه (سلام ا... عليها) چگونه است؟

جواب: بسمه تعالى

السلام عليكم

در نظر ما ثابت است.

۱- آيا حضرت رقيه (سلام الله عليها) دختر امام حسين (عليه السلام) بوده است.

۲- آيا ايشان در كربلا حضور داشتن و به همراه بقيه اسرا مخدرات به اسارات به شام فرستاده شده اند.

۳- آيا قبر ايشان در سوريه فعلى است.

بسمه تعالى

السلام عليكم

از مجموع مطالبى كه در دست است وثوق حاصل مى شود والله العالم.

سلام

اکنون بحث های فراوانی راجع به حضرت رقيه وجود دارد. بعضی منکرند بعضی می گویند دختر کس دیگری است بعضی می گویند امام حسين دختر سه ساله داشت اما معلوم نيست نامش رقيه باشد لطفا نظر خود را ترجيحاً تفصيلی بيان نماييد. تا با كلام شما استاد معظم آرام گيريم.

بسمه تعالی
السلام علیکم
از مجموع مطالب موجود وثوق حاصل است.

سلام علیکم
آیا مطابق مقاتل و روایات صحیحہ دختر سه ساله ای با نام حضرت رقیه (سلام الله علیها) فرزند حضرت سیدالشهدا (سلام الله علیه)، در واقعه کربلا حضور داشتند؟

بسمه تعالی
السلام علیکم
اینجانب وثوق دارم.

با اهداء سلام و تحیت و آرزوی سلامتی برای معظم له
آیا روایتی که می گوید حضرت رقیه (سلام الله علیها) دختری یتیم از بنی هاشم بوده و امام حسین صلوات الله علیه ایشان را به فرزندی گرفته اند نزد علماء اعلام سندیت و اعتباری دارد؟
آیا در مقاتل و منابع غیر از مقاتل، چه معتبر و چه غیر معتبر روایتی داریم مبنی بر اینکه حضرت رقیه (سلام الله علیها) دختر یکی از اصحاب امام حسین صلوات الله علیه بوده باشد که در کربلا به شهادت رسیده است؟ اگر هست، دختر کدام یک از اصحاب بوده اند؟
با تشکر فراوان و آرزوی طول عمر برای معظم له
التماس دعای خیر
یا علی مدد

بسمه تعالی
السلام علیکم
از مجموع آنچه در دست داریم وثوق حاصل است.

حضرت استاد شیخ حسین انصاریان (دام ظلہ)
استاد حسین انصاریان : گاهی درمورد وجود حضرت رقیه (سلام الله علیها) شبهات و تردیدهایی مطرح می شود که نام ایشان در اکثر کتب نیامده و یا نام های مشترک و مشابهی در آنها به چشم می خورد که با توجه به آن نمی توان به طور حتم بر وجود دختری به این نام اطمینان داشت.
در پاسخ باید گفت :

عدم ذکر نام «رقیه» در برخی منابع تاریخی نمی تواند دلیل بر خرافه بودن این شخصیت باشد؛ چرا که وجود نام های اشتہاری (کنیہ و لقب) در کنار نام اصلی افراد از رسومات رایج عرب است و همان گونه که عده ای معتقدند، حضرت رقیه (سلام الله علیها) همان فاطمہ صغری است که نامش در بسیاری از تواریخ ذکر شده است. علاوه بر اینکه بر نام «رقیه» در کتاب شریف لہوف سید بن طاووس و نیز سایر کتب تصریح شده است. مرحوم شیخ علی فلسفی در کتاب « حضرت رقیه (سلام الله علیها)» می گوید در بیش از بیست کتاب، نام ایشان را رقیه دیده است.

در کتاب معالی السبطین حائری آمده است : «کانت للحسین (علیه السلام) بنت صغیره... تسمى رقيه و کان لها ثلاث سنين» (3).

تعبیر « تسمى رقيه» نشان دهنده این مطلب است که «رقیه» نام اصلی ایشان نبوده بلکه به این اسم معروف بوده است.

ابن ابی مخنف نیز در مقتل الحسین درباره وداع حسین بن علی (علیه السلام) می نویسد : «ثم نادى يا ام كلثوم و يا زينب و يا سكينه و يا رقيه و يا عاتکه و يا صفیه...» (4).

در کتاب احقاق الحق نیز آمده است: «ثم نادى يا ام كلثوم يا سكينه رقيه عاتکه زينب يا اهل بيتي عليكن منى السلام...» (5)

خرابه ای به شرافت رسیده تا ملکوت

از محکم ترین دلایل وجودی حضرت رقيه (سلام الله علیها)، وجود بارگاه ملکوتی آن نازدانه سیدالشهداء (علیه السلام) در شهر شام (در کشور سوریه) است که به گفته بزرگان و اهل معرفت، نمی تواند ساختگی و دروغ باشد. ممکن نیست خداوند به یک خرافه، این همه جلالت و عظمت و کرامت عنایت کند.

عبدالوهاب بن احمد شافعی مصری معروف به شعرانی در کتاب «المنن» می نویسد: «نزدیک مسجد جامع دمشق، بقعه و مرقدی است که به مرقد رقيه بنت الحسین معروف است. به روی سنگی که در درگاه آن واقع است چنین نوشته شده است: «هذا البيت بقعه شرفت بآل النبی (صلی الله علیه وآله) و بنت الحسین الشهید رقيه (سلام الله علیها)» (6).

در کتاب منتخب التواریخ نیز آمده است که مزاری که در خرابه شام است منسوب به مزار رقيه بنت الحسین است.

از دیگر وقایعی که دلیلی محکم بر صحت استناد این مزار شریف به حضرت رقيه (سلام الله علیها) است داستان آب گرفتگی مزار مطهر ایشان در حدود سال 1280 هجری است که طی آن سید بزرگواری به نام سید ابراهیم دمشقی از نوادگان سید مرتضی علم الهدی از جانب حضرت، مأموریت پیدا می کند تا آب گرفتگی قبر مطهر را چاره کند و ایشان نیز بعد از صلاح اندیشی با بزرگان و اهل علم به این امر مبادرت می کند و با بدن و کفن سالم حضرت مواجه می شود که در میان آب است . پس از آن قبر مطهر را تعمیر و مرمت می کنند. نتیجه سخن آن که وجود حضرت رقيه (سلام الله علیها) را نمی توان انکار کرد و آنچه پیرامون آن حضرت مطرح می شود نباید به راهی برای خدشه دار شدن منزلت آن حضرت در میان ارادتمندان اهل بیت (علیه السلام) تبدیل شود. در هر صورت به کراماتی که از آن حضرت در طول سالیان متوالی متوجه شیعیان شده است را نمی توان به چشم بی توجهی نگریست.

منابع:

1 - ناسخ التواریخ : 4/236-237

2 - کشف الغمه : 2/216

3 – معالى السبطين : 2 / 161 ، 170.

4 – مقتل الحسين : 84.

5- احقاق الحق: 11/633.

6 – كتاب المنن: باب دهم.